

به نام خدا

قصه‌های شیرین شب ۱

انتشارات قصر کتاب

سرشناسه: امینی، نسرين، ۱۳۶۱، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: قصه های شیرین شب ۱/ گردآورنده: نسرين اميني
مشخصات نشر: تهران: قصر کتاب، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهري: ۸۰ ص
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۳۰-۸۳-۶
وضعيت فهرست نویسی: فیا
موضوع: داستان های کوتاه فارسی- قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۱۳۹۲ ق ۸۵۱۵ م ۷۹۶۲ PIR
رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۶۰۵۰۱

انتشارات قصر کتاب

قصه های شیرین شب ۱

مولف: نسرين اميني

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

بهاء: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۳۰-۸۳-۶

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین جمهوری و لسانی نژاد،

کوچه صابر، پلاک ۷، واحد ۲

تلفن: ۶۶۹۷۵۵۸۵-۶

همراه: ۰۹۱۲۳۱۵۲۱۶۲

فهرست

پزشک یا بیمار	۵
هر سخن جایی دارد!	۷
رفتار جوانمردان	۱۱
دوستی گرگ و روباه	۱۵
ارزش مقام	۱۷
چرا آمدی	۱۹
غفلت تا چه اندازه!	۲۱
شتر مرغ که پرواز نمی کند!!	۲۳
کاری نکردی که به کار آید!	۲۵
حضرت موسی (ع) و فرعون	۲۷
داستان سگ و الاغ و خروس	۳۵
لک لک و روباه مکار	۵۵
دشمن دشمن است!	۶۵
گردن شاهزاده	۷۳
شتر و بوته ی خار	۷۷
گنجشک و مار	۷۹

پزشک یا بیمار!

شبلی، از مردانِ خوبِ قرنِ چهارم و از عارفانِ آن زمان بود. روزی بیمار شد و در بسترِ بیماری افتاد. پادشاه که او را بسیار دوست داشت برای درمانش پزشکِ مسیحیِ دربارِ خودش را به بالینش فرستاد.

وقتی شبلی پزشکِ مسیحی را دید، دانست که او یک مسیحی است و از طرفِ پادشاه برای درمانش آمده است. پزشکِ مسیحی برای درمانِ بیمار سؤالاتی پرسید و بعد گفت: «حالا دلت چه می‌خواهد؟» شبلی جواب داد: «من دلم می‌خواهد که تو مسلمان شوی و آیینِ پیامبر اسلام را بپذیری.»

پزشکِ مسیحی پاسخ داد: «اگر من مسلمان شوم، چه نفعی به حالِ تو خواهد داشت. آیا با ایمان من، حالت خوب می‌شود و از بیماری نجات پیدا می‌کنی؟»

شبلی گفت: «آری، بیماری من خوب می‌شود.» پزشک ابتدا تعجب کرد و گفت: «اکنون باید چکار کنم؟» شبلی در مورد دینِ اسلام

برای پزشک مسیحی توضیح داد و او را به آیین اسلام دعوت کرد. پزشک صحبت‌های شبلی را با دقت شنید و به اسلام ایمان آورد. سپس شبلی از بستر بیماری برخاست. دیگر نشانه‌ای از بیماری در بدن او نبود. پزشک که تعجبش دو برابر شده بود، شبلی را نزد پادشاه برد و ماجرای پیش آمده را برای او تعریف کرد. پادشاه که از حالات شبلی خبر داشت و کاملاً او را می‌شناخت، گفت: «من پزشکی را نزد بیماری فرستادم اما حالا می‌بینم که بیماری را نزد پزشکی فرستاده‌ام. چون شبلی با دین اسلام او را به راه راست هدایت کرد.»

برگرفته از بهارستان جامی